

# جهانگشای خاقان

مصححان

دکتر نعمت احمدی

دکتر نیلوفر جفرودی

با دیباچه‌ای به قلم

دکتر رضا شعبانی

نشر الفنا

جهانگشای خاقان



## جهانگشای خاقان

تاریخ شاه اسماعیل ۹۵۵-۹۴۸ ق

به کوشش دکتر نعمت احمدی و دکتر نیلوفر جفرودی

با دیباچه‌ای به قلم دکتر رضا شعبانی

## فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه: جهانگشای خاقان  
تاریخ شاه اسماعیل ۹۵۵-۹۴۸ ق به کوشش نعمت احمد و نیلوفر جفرودی  
با دیباچه رضا شعبانی  
مشخصات: نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۰  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
کتابنامه: شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۵۲-۸  
عنوان دیگر: تاریخ شاه اسماعیل ۹۵۵-۹۴۸ ق  
موضوع: اسماعیل صفوی اول، شاه ایران ۹۳۰-۸۹۲ ق  
موضوع: Iran, History, Safavids, 1502-1736  
شناسه افزوده: احمدی، نعمت، ۱۳۳۴، مصحح.  
شناسه افزوده: جفرودی، نیلوفر، ۱۳۶۷، مصحح.  
رده بندی کنگره: DSR ۱۱۹۸  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۴۸۰۶۸  
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۱۱۰۹۲  
وضعیت رکورد: فیبا



## نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

## جهانگشای خاقان

تاریخ شاه اسماعیل ۹۵۵-۹۴۸ ق  
به کوشش دکتر نعمت احمدی و دکتر نیلوفر جفرودی  
با دیباچه ای به قلم دکتر رضا شعبانی

- اجرا: نشر تاریخ ایران  
طرح جلد: متین حائری  
چاپ و صحافی: الغدیر  
تیراژ: ۱۰۰۰  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۵۲-۸  
ISBN: 978-600-8687-52-8  
قیمت: ۱۰۰،۰۰۰ تومان  
حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

## سخن ناشر

نشر تاریخ ایران لازم می‌داند، توجه مخاطبان‌ش را به این نکته مهم جلب نماید، طبق قرار تعیین، اعلام و تعهدشده طرف قرارداد با ناشر، مسئولیت ویرایش، تصحیح و مقابله متن به عهده صاحب اثر (مؤلف، مصحح و مترجم) است و ناشر بنا بر تعهداتش، حق هیچ دخل و تصرفی را در متن ندارد.

## نشر تاریخ ایران



## فهرست مطالب

|    |                                                                         |
|----|-------------------------------------------------------------------------|
| ۱۹ | یادداشت مصححان و راهنمای نسخه                                           |
| ۲۴ | تساویر صفحات اول و آخر نسخه                                             |
| ۲۷ | دیباجه                                                                  |
| ۳۵ | مقدمه                                                                   |
| ۵۹ | حمد و نعت                                                               |
| ۵۹ | حسب و نسب شاه اسمعیل                                                    |
| ۶۰ | ذکر سلطان فیروزشاه زرّین کلاه                                           |
| ۶۲ | ذکر مجملی از احوال سیّد عوض الخواص و محمد حافظ - قُدّس الله سرهما -     |
| ۶۳ | ذکر بعضی از احوال سیّد صلاح الدّین رشید - نور الله مرقده -              |
| ۶۴ | شرح مجملی از احوال سیّد قطب الدّین - طاب ثراه -                         |
| ۶۵ | ذکر بعضی از اخبار و احوال سیّد صالح - قُدّس سرّه -                      |
| ۶۵ | شرح بعضی از احوال سلطان جبرئیل - نور الله مرقده -                       |
|    | ذکر بعضی از احوال سلطان سریر هدایت و ارشاد برهان شیخ صفی الدّین اسحاق - |
| ۶۷ | نورالله مرقده -                                                         |
| ۶۸ | روانه شدن شیخ صفی به خدمت شیخ زاهد                                      |
| ۶۸ | نشان دادن شیخ زاهد حضرت شیخ صفی را                                      |
|    | وصیت نمودن شیخ زاهد گیلانی به حضرت قطب المحقّقین شیخ صفی الدّین اسحاق   |
| ۶۹ | و نشانیدن او بر مسند ارشاد                                              |
| ۷۴ | ذکر بعضی از احوال سیّد صدرالدّین موسوی - اَنّاَر الله بُرهانه -         |
|    | ذکر احوال سلطان علی سیاهپوش و ملاقات امیرکبیر صاحبقران امیر تیمور       |



- گورکان ۷۴
- رسیدن امیر تیمور گورکان به قلعه اندخود و ملاقات او با بابا سنگ کوهی ۷۵
- ذکر مراجعت امیر صاحبقران به جانب ایران و ملاقات او با سلطان خواجه علی سیاه پوش ۷۷
- ذکر تولد سلطان شیخ ابراهیم مشهور به شیخ شاه و ارتحال جناب سلطان علی در مسجد اقصی به سرای جاودانی ۸۰
- ذکر بعضی از احوال سلطان جنید - عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ - ۸۰
- ذکر رفتن سلطان جنید به جانب شیروان و شهادت یافتن او در حوالی طبرسران در دست طاغیان بی ایمان ۸۳
- ذکر مجملی از احوالات سلطان حیدر - سَقَى اللَّهُ ضَرْيَحَهُ - ۸۴
- شرح لشکر کشیدن سلطان حیدر به جانب شیروان و توجّه آن حضرت به ریاض خلد روضه رضوان ۸۶
- ذکر احوال خجسته مآل شاهزادگان صفوت نشان بعد از انتقال سلطان حیدر به روضه رضوان ۸۸
- ذکر استخلاص شاهزادگان عالی تبار از قلعه اصطخر فارس و تتمه احوال سلاطین ترکمان ۹۰
- ذکر شهادت یافتن شاهزاده و الاجاه سلطان علی پادشاه ۹۳
- ذکر بقیه احوال شاهزادگان و رفتن به جانب گیلان ۹۶
- ذکر توقف نمودن خاقان سلیمان شأن صاحبقران در لاهیجان ۱۰۱
- ذکر کس فرستادن رستم میرزا نزد کارکیا میرزا علی به لاهیجان به طلب خاقان صاحبقران ۱۰۲
- نامه فرستادن رستم پادشاه به کارکیا میرزا علی به گیلان و طلب نمودن شاهزادگان ۱۰۴
- شرح کشته شدن رستم پادشاه ترکمان و جلوس احمد بیگ بر سریر سلطنت ایران ۱۰۸
- ذکر کشته شدن ایبه سلطان و جلوس محمدی پادشاه و مقتول گردیدن او و جلوس سلطان مراد در عراق و امیر الوند در آذربایجان ۱۱۰
- ذکر نظر یافتن خاقان صاحبقران شاه اسمعیل بهادرخان و رخصت خروج یافتن از حضرت صاحب الزمان - عَلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمَنَانِ - ۱۱۳
- شرح حالات دهنده محمد و آنچه در سفر مکه معظمه مشاهده نمود ۱۱۵

- بیرون آمدن خاقان سلیمان شأن صاحبقران شاه اسمعیل بهادرخان از آن بیشه و روانه شدن با هفت نفر از صوفیان ۱۱۷
- قشلاق نمودن سلیمان شأن صاحبقران در ارجوان ۱۲۰
- ذکر توجه خاقان سلیمان شأن صاحبقران از یورت قشلاق به جانب اردبیل به عون عنایت ملک جلیل ۱۲۳
- ذکر توجه خاقان سلیمان شأن صاحبقران از اردبیل به صوب آذربایجان و ملاقات نمودن با شاه سلطان حسین باراتی ترکمان ۱۲۶
- ذکر رسیدن قارجه الیاس به درگاه فلک اساس خاقان صاحبقران ۱۲۹
- ذکر وقایع سنه ست و تسعمائه شرح توجه خاقان سلیمان شأن صاحبقران به جانب شیروان ۱۳۱
- عبور نمودن خاقان سلیمان شأن صاحبقران از آب گُر بی مدد زورق و کشتی به عون عنایت الهی ۱۳۴
- محاربه نمودن خاقان سلیمان شأن صاحبقران با سلطان فرخ‌یسار و کشته شدن شیروان شاه بی‌ایمان ۱۳۷
- ذکر فرستادن شهریار دوران و خدیو زمان خلفابیگ را به دفع شیخ شاه به شهر نو ۱۴۱
- ذکر توجه موکب همایون فال به جانب قلعه بادکویه و فتح آن حصار استوار به تأیید حضرت آفریدگار ۱۴۳
- ذکر توجه سلیمان شأن صاحبقران به جانب گلستان و از آن جا عزیمت نمودن به صوب آذربایجان ۱۴۸
- شرح مخالفت امیر الوند نادان با شهریار کامکار کامران خاقان سلیمان شأن صاحبقران ۱۵۱
- ذکر نامه نوشتن امیر الوند به خاقان سلیمان شأن صاحبقران ۱۵۲
- وقایع سنه سبع و تسعمائه: ذکر محاربه امیر الوند با خاقان سلیمان شأن صاحبقران سعادت‌مند و مال احوال آن بد پیوند ۱۵۴
- شرح توجه خاقان سلیمان شأن صاحبقران به جانب تبریز به سلطنت متمکن یافتن و خطبه اثنی عشری در آن بلده عشرت انگیز خواندن ۱۶۱
- وقایع سنه ثمان و تسعمائه و محاربه نمودن خاقان سلیمان شأن صاحبقران مرتبه دوم با امیر الوند ترکمان ۱۷۰
- ذکر توجه خاقان سلیمان شأن صاحبقران به جانب عراق عجم و زینت یافتن آن

- ولایت از سریر آرای ممالک جم ۱۷۳
- محاربه نمودن خاقان سلیمان شأن صاحبقران در آلمه قولا ق همدان با سلطان مراد نامراد ترکمان ۱۷۸
- ذکر تتمه احوال امرای ترکمان و کشته شدن بعضی از امرای ایشان به اقبال شهریار جهان ۱۸۳
- ذکر محاربه امیر الیاس ایغوث اغلی با ناصر منصور بیگ ترکمان ۱۸۶
- وقایع سنه تسع و تسعمائه و لشکر کشیدن خاقان سلیمان شأن صاحبقران به جانب اصفهان به تأیید ملک متان ۱۸۷
- ذکر ایلغار خاقان سلیمان شأن به جانب شولستان و فرار نمودن ضبط سلطان مراد نامراد به صوب دارالاسلام بغداد ۱۸۹
- ذکر مراجعت خاقان سلیمان شأن صاحبقران از فارس به جانب عراق ۱۹۱
- شرح شهادت یافتن امیر الیاس بیگ ایغوث اغلی به تیغ غدر امیر حسین کیای چلاوی و توجه خاقان سلیمان شأن صاحبقران به جانب رستم دار و فیروزکوه ۱۹۳
- شرح فتح قلعه گل خندان و فیروزکوه و تخریب آن قلاع پرشکوه ۱۹۶
- ذکر توجه خاقان سلیمان شأن صاحبقران به قلعه استا و محاربه نمودن با حسین کیای چلاوی و فتح آن قلعه فلک فرسا به عون خالق ارض و سما ۲۰۰
- وقایع سنه عشر و تسعمائه و کشته شدن سلطان احمد ساروی در دست حاکم ابرقوه و توجه صاحبقران بدان جانب ۲۰۶
- ذکر فتح قلعه یزد و گرفتار شدن رئیس محمد کره و کشته شدن قاضی میرحسین در دست ملازمان سلیمان شأن صاحبقران ۲۰۹
- ذکر آمدن امیر کمال الدین حسین از جانب شاه سلطان حسین میرزا بایقرا به رسالت و ایلغار خاقان سلیمان شأن صاحبقران به جانب طبس و قتل عام نمودن و مراجعت کردن به جانب اصفهان ۲۱۱
- شرح وقایع ایام توقف در دارالسلطنه اصفهان و آمدن ایلچیان از جانب فرمانفرمای روم ۲۱۴
- شرح یاغی گری کارکیا حسن با علی برادر خود و کشته شدن کیافریدون ۲۱۶
- وقایع سنه احدی عشر و تسعمائه و طرح شکار جرگه انداختن خاقان اسکندر اورنگ در بیلاق کهیزالنگ ۲۱۷
- ذکر نهضت موکب همایون سلیمان شأن صاحبقران به جانب همدان و بنای عمارت امامزاده واجب التعظیم امامزاده سهل علی - عَلَیْهِ و عَلَیْ آبَائِهِ

شرح فتنه بعضی از سرکشان و قتل بعضی از مخالفان و بیان رسیدن چلبان بیگ حاکم طارم خلخال و قشلاق نمودن خسرو بی همال در آن خطه ارم مثال

۲۲۱

شرح کشته شدن کارکیا میرزا علی و برادرش کارکیا سلطان حسن به تیغ غدر فتنه انگیز گیلان

۲۲۳

وقایع سنه اثنی و تسعمائه و محاربه نمودن امرای عالی شأن با شیر صارم والی کردستان و فتح نمودن

۲۲۴

وقایع سنه ثلاث عشر و تسعمائه شرح فتوحاتی که در این سال به امداد ملک ذوالجلال روی داد

۲۲۶

شرح آمدن یکی از امرای ذوالقدر به رسالت نزد خسرو ایران و مراجعت نمودن او و پناه بردن علاءالدوله به کوه درنا از بیم سطوت خدیو جهان

۲۲۹

شرح محاربه نمودن خاقان سلیمان شأن صاحبقران با علاءالدوله و منهزم ساختن آن لشکر بی پایان به عون عنایت ملک منان

۲۳۱

شرح رفتن خان محمدخان به جانب قلعه حمید و سرکشی قایتمش بیگ ترکمان در آن قلعه و محاصره نمودن خان عالی شأن آن قلعه سپهر ارکان را

۲۳۷

شرح طغیان علاءالدوله ذوالقدر کزت دیگر و لشکر فرستادن به سرداری ساروقاپلان به کمک

۲۳۸

قایتمش ترکمان و محاربه نمودن با خان محمدخان و ظفر یافتن خان عالی شأن به اقبال شهریار زمان

۲۳۹

شرح محاصره قلعه حمید و فتح آن و کشته شدن قایتمش بیگ ترکمان به اقبال شاهنشاه جهان

۲۴۱

وقایع سنه اربع و تسعمائه شرح ترقی نمودن امیر نجم الدین مسعود رشتی و رسیدن او به مراتب ارجمند و مناصب عالی

۲۴۲

شرح محاربه خان محمدخان استاجلو با شاهرخ کور و احمد بیگ ولدان علاءالدوله ذوالقدر کزت دیگر و کشته شدن ایشان به امداد حی اکبر

۲۴۴

شرح نهضت موکب همایون فال شاهی به عراق عرب و دارالسلام بغداد و به اراده زیارت عتبات عالیات عرش درجات به عون عنایت خالق البریات

۲۵۰

شرح وصول خاقان سلیمان شأن صاحبقران به قلعه دارالسلام و مشرف گشتن به طواف مراقد ائمه گرام - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ -

۲۵۳

شرح نهضت موکب همایون شاهی به جانب هویزه و محاربه خاقان سلیمان شأن

- صاحبقران با سلطان فیاض و به قتل آوردن او ۲۵۹
- شرح نهضت موکب معلی به دزفول و شوشتر و رسیدن ملک‌شاه رستم به درگاه شهریار فریدون فرّ ۲۶۲
- شرح توجّه شهریار ظفر طراز کزّت ثانی به مملکت شیراز و وقوع بعضی امور به تقدیر پادشاه بی‌نیاز ۲۶۴
- وقایع سنّه خمس عشر و تسعمائه شرح مراجعت خسرو آفاق از فارس به صوب عراق ۲۶۶
- شرح توجّه شهریار ایران به جانب شیروان نقل فرمودن نعش سلطان حیدر به جانب اردبیل به فضل ملک جلیل ۲۶۸
- شرح مجملی از احوال سلاطین جغتای و اوزبکیه ۲۷۲
- شرح محاربه بدیع‌الزمان میرزا با والد خود شاه سلطان حسین میرزا ۲۷۷
- شرح محاربه شاه سلطان حسین میرزا در حلوا چشمه با فرزند خود در سنّه اربع و تسعمائه ۲۷۹
- شرح آمدن بدیع‌الزمان میرزا کزّت دیگر به هرات رود و ایلغار شاه سلطان حسین میرزا از استرآباد به آن حدود ۲۸۰
- شرح خروج محمدخان شیبیان در ترکستان و استیلا یافتن او بر اولاد شاه سلطان حسین میرزا و مملکت خراسان ۲۸۳
- شرح لشکرکشیدن بدیع‌الزمان میرزا به محاربه شیبیک‌خان و بی‌وفایی امرای جغتای ۲۸۶
- شرح رفتن شیبیک‌خان به جانب بلخ و بی‌نیل مقصود بازگشتن به جانب سمرقند ۲۸۸
- شرح محاربه شیبیک‌خان در تاشکند و کشته شدن سلطان محمودخان و سلطان احمد تسخیر نمودن قلعه کابل ۲۹۱
- شرح ملاقات بدیع‌الزمان میرزا در هرات با والد بزرگوار و انتقال آن سلطان عالی‌مقدار به دارعقی ۲۹۲
- شرح جلوس شاهزادگان به مشارکت به سریر سلطنت و اختلال احوال فرزندان شاه سلطان حسین میرزا و مملکت خراسان ۲۹۴
- شرح آمدن ایل امان بهادر به تاخت خراسان به گفته شیبیک‌خان و ایلغار بدیع‌الزمان میرزا و رفتن بابر پادشاه به هرات ۲۹۵
- شرح آمدن شیبیک‌خان به خراسان و محاربه نمودن با بدیع‌الزمان میرزا و استیلا

شرح محاربه نمودن ابن حسین میرزا با اوزبکیه و التجا آوردن به درگاه جهانیان پناه  
خاقان سلیمان شأن صاحبقران ۳۰۱

شرح آمدن بابر پادشاه به قندهار و فتح نمودن آن حصار و رفتن شیبک خان بدان  
جانب ۳۰۳

شرح وصول مظفر حسین میرزا و بدیع الزمان میرزا به استرآباد و فوت ابن حسین  
میرزا و مآل احوال بدیع الزمان میرزا ۳۰۵

شرح آمدن بدیع الزمان میرزا به درگاه سلاطین پناه شاهی و تتمه احوال اولاد شاه  
سلطان حسین میرزا با شیبک خان ۳۰۶

شرح آمدن اوزبکان به تاخت کرمان به اشاره شیبک خان بعد از انهزام او از قاسم  
سلطان قرآق ۳۰۸

وقایع سنه ستّ عشر و تسعمائه مجلس کنکاش آراستن خاقان سلیمان شأن  
صاحبقران جهت دفع شیبک خان و فتح خراسان به عون عنایت سبحان ۳۰۹  
شرح توجه خاقان سلیمان شأن صاحبقران به جانب خراسان به تأیید ملک  
منان ۳۱۴

شرح کوچ کردن موکب معلی از ظاهر قلعه و بیرون آمدن شیبک خان از عقب  
حضرت شاه و جنگ سلطانی کردن و کشته شدن محمدخان به عون عنایت  
آله ۳۲۱

شرح رفتن درویش محمدبیگ یساوول به مازندران و بردن دست شیبک خان رانزد آقا  
رستم روز افزون و رسیدن آن فتح نمایان به اطراف جهان ۳۳۵

وقایع سنه سبع عشرو تسعمائه طوی آراستن شهریار زمان در حوض ماهیان و  
نهضت نمودن موکب شاهی به میمنه و فاریاب به عنایت کریم وهاب ۳۴۴  
شرح مجملی از آل سلاطین اوزبکیه و جلوس ایشان در ترکستان و آمدن ایلچیان از  
جانب ماوراءالنهر و مراجعت موکب سعادت نشان ۳۳۷

شرح رفتن سیف الانامی خواجه مظفر بیتکچی حسب فرمان شهریار زمان به  
مازندران و رسیدن سلاطین دارالمرز در خطه سمنان به پای بوس خدیو جهان ۳۳۹  
شرح خروج بابا شاه قلی تکه ایلی و رسیدن صوفیان روم و غیر ذلک به درگاه شاهی  
۳۵۱

شرح شکار جرگه آراستن خسرو آفاق و بیان احوالات یورت قشلاق ۳۵۳  
شرح نقص عهد و پیمان نمودن سلاطین ماوراءالنهر و محاربه نمودن بابر پادشاه و

- استعانت نمودن بابر از درگاه سلاطین پناه ۳۵۶
- وقایع سنه ثمان عشر و تسعمائه شرح نهضت موکب همایون شاهی ییلاق راسفنجان و بش بارماق ۳۵۹
- شرح محاربه نمودن ظهیرالدین بابر با سلاطین اوزبک و فرار نمودن به کابل و استیلای سلاطین چنگیزی در ترکستان ۳۵۹
- شرح رفتن امیر نجم ثانی به جانب بلخ و جمعیت عساکر ظفر مآثر بر سر او در کنار رود جیحون ۳۶۲
- شرح شمه‌ای از عظمت امیر نجم‌الدین ثانی و فتوحاتی که او را روی نمود ۳۶۳
- شرح محاربه امیر نجم‌الدین با سلاطین اوزبک و کشته شدن او با چند نفر از امرای نامور به تقدیر ملک دادگر ۳۶۹
- شرح نهضت شهریار گردون وقار از ییلاق راسفنجان جهت قشلاق نمودن به جانب اصفهان ۳۷۲
- وقایع سنه تسع عشر و تسعمائه: شرح ولادت با سعادت شاهزاده عالمیان ابوالفتح طهماسب میرزا و رسیدن اخبار ماوراءالنهر و بخارا ۳۷۳
- شرح تسلط محمد تیمورخان و عبیدالله‌خان بر بعضی از بلاد خراسان ۳۷۵
- شرح نهضت موکب همایون از ساوه به جانب خراسان و مشرف شدن امیر نظام‌الدین عبدالباقی و سید شریف‌الدین به مناصب عالی ۳۷۸
- شرح رسیدن منقلای سپاه ظفر دستگاه به نواحی مشهد مقدس و فرار سلاطین اوزبک از بیم وصول موکب شاهی ۳۸۰
- شرح طغیان ابوالقاسم بخشی در هرات و توجه موکب شهریار آفاق به دفع آن سفاک بی‌باک ۳۸۲
- شرح وصول پادشاه شریعت‌پرور به النگ رادکان و از آنجا به جانب مشهد مقدس رفتن ۳۸۴
- شرح مال حال خواجه محمود ساغریچی در بلخ و تفویض ایالت آن ولایت به دیو سلطان روملو ۳۸۶
- شرح ایلغار شاهرخ بیگ افشار به صوب زمین داور و قندهار ۳۸۸
- شرح آمدن ابوالخیرخان قزاق به مدد سلاطین ماوراءالنهر از دشت قبیچاق و محاربه نمودن با شهریار آفاق ۳۸۹
- شرح مراجعت خسرو آفاق از خراسان به جانب عراق ۳۹۸
- شرح مخالفت سلطان سلیمان میرزا با پادشاه دین‌پناه و کشته شدن او به تقدیر

شرح مجملی از احوال سلاطین روم و وقایع آن مرزوبوم و نزاعی که فیما بین ایشان در زمان خاقان سلیمان شأن روی داد

۴۰۰

شرح رفتن نورعلی خلیفه به موجب فرمان شریار زمان به جانب روم و قتل و غارت نمودن آن مرز و بوم

۴۰۳

شرح محاربه نمودن سلطان مرادخان بن سلطان احمدخان با وزیر اعظم سلطان سلیم قیصر روم

۴۰۴

شرح محاربه نمودن نورعلی خلیفه با سنان پاشا و حسین پاشا و مراجعت نمودن

۴۰۵

شرح آمدن غلامان حبشی به فرموده سلطان قوینسای پادشاه مصر به دیاربکر و گرفتار شدن بعضی از ایشان به دست خان محمدخان در اوایل سنه سبع عشر و تسعمائه

۴۰۸

شرح آمدن سلطان مرادخان پادشاهزاده روم به درگاه سلاطین پناه شریار زمان وقایع سنه عشرين و تسعمائه شرح نهضت موکب همایون به بیلاقات همدان ۴۱۲ شرح آمدن سلطان سلیم قیصر روم با لشکر قیامت اثر به قصد محاربه پادشاه شریعت پرور

۴۱۳

شرح محاربه نمودن خاقان صاحبقران با سلطان سلیم قیصر روم در چمن چالدران

۴۱۵

شرح آمدن قیصر روم به تبریز و مراجعت نمودن از بیم رسیدن موکب شاهی و عساکر خونریز

۴۲۵

شرح توقف موکب شاهی در تبریز و کشته شدن خلیل سلطان ذوالقدر و رسیدن بعضی از خدام آستان خلافت نشان به مرتبه مناصب جلیله

۴۲۷

وقایع سنه احدی و عشرين و تسعمائه شرح نهضت موکب همایون به دارالارشاد اردبیل و بیلاق سهند و آوردن سر سلطان مراد نامراد به درگاه شریار جهان

۴۳۰

شرح تسخیر نمودن سلطان سلیم قیصر روم، قلعه کماخ را و قتل نمودن صوفیان را

۴۳۲

شرح شورش و انقلاب خراسان به سبب قحط و غلا و طغیان محمد زمان ولد بدیع الزمان میرزا و آمدن دیو سلطان به درگاه معلی

۴۳۳

شرح مراجعت موکب همایون شاهی از سهند به دارالسلطنه تبریز و رسیدن خبر شهادت نورعلی خلیفه

۴۳۶



- شرح کشته شدن علاءالدوله ذوالقدر و مستولی شدن سلطان سلیم قیصر ۴۳۸  
وقایع سنه اثنی و عشرين و تسعمائه شرح نهضت موکب شاهى به ییلاق و روانه  
شدن شاهزاده عالمیان به جانب خراسان ۴۴۰
- شرح توجه موکب همایون شاهى به ییلاق سورت و تولد یافتن شاهزادگان والامکان  
سام میرزا و بهرام میرزا ۴۴۲
- شرح محاربه مصطفی پاشای بیغلو با قراخان استاجلو بیگلربیگی دیاربکر و شهادت  
یافتن خان سعادت مهر در اوایل بهار سنه مذکوره که شهریار مؤید منصور متوجه  
ییلاق سورت بودند ۴۴۴
- شرح محاربه سلطان سلیم قیصر روم با سلطان قوینسای خادم الحرمين و کشته شدن  
او به تقدیر رب المشرقین ۴۴۸
- شرح قشلاق نمودن خاقان صاحبقران در نخجوان و رفتن امیر جمال الدین صدر و  
میرزا شاه حسین به جانب شیروان ۴۵۲
- شرح آمدن ملک قرقره والی گرجستان و رفتن دیو سلطان جهت تأدیب  
متمردان ۴۵۳
- شرح مستولی شدن محمدزمان میرزا ابن بدیع الزمان میرزا بر قبه الاسلام ۴۵۴  
وقایع سنه ثلاث و عشرين و تسعمائه و نهضت موکب همایون به جانب ییلاقات به  
عنایت الهی و محاربه نمودن سلطان سلیم با تومانی بیگ پادشاهزاده مصر به تقدیر  
ایزدی ۴۵۶
- شرح آمدن ظهیرالدین بابر به بلخ و استیلا یافتن و لشکر فرستادن شاه دین پناه  
طهماسب شاه بر سر محمد زمان به غرجستان ۴۶۰
- شرح قشلاق خسرو آفاق در نخجوان و رفتن دیو سلطان کزرت ثانی به  
گرجستان ۴۶۳
- وقایع سنه اربع و عشرين و تسعمائه شرح توجه موکب شاهى به ییلاق ایغار و  
سورت و رودخانه تلوار و اشتغال به امر صید و شکار ۴۶۳
- شرح رفتن امرای عالی شأن به جانب مازندران و فتح رستم دار به سعی دورمیش خان  
۴۶۴
- وقایع سنه خمس و عشرين و تسعمائه شرح نهضت موکب معلی شاهى بری و از  
آنجا به اصفهان ۴۶۶
- شرح مخالفت امیرشاه محمد در غرجستان و رفتن ابراهیم سلطان با شاهزاده  
عالمیان به آن مکان ۴۶۸

- وقایع سنهٔ ست و عشرين و تسعمائه: شرح نهضت خسرو آفاق به چمن خرقان و رسیدن امیره دَباج والی گیلان به درگاه ملایک پاسبان ۴۷۱
- شرح رفتن دورمیش به جانب گیلان و باج گرفتن از والی رشت و فومن ۴۷۲
- شرح آمدن سپاه روم به عراق عرب و نهضت موکب شاهی به بیستون و رسیدن خبر فوت سلطان سلیم قیصر روم ۴۷۳
- شرح توجّه موکب همایون شاهی به جانب کاشان و طوی نمودن میرزا شاه حسین و بیان بعضی احوالات شهریار ۴۷۵
- شرح آمدن بابر پادشاه به محاصرهٔ قندهار و آمدن شجاع بیگ ارغون به خراسان نزد دورمیش خان ۴۷۶
- وقایع سنهٔ سبع و عشرين و تسعمائه شرح نهضت موکب خاقانی به جانب قم و جشن نوروز سلطانی ۴۷۸
- شرح آمدن سلطان خلیل ولد شیخ شاه به درگاه تأیید یافته حضرت آله ۴۸۰
- شرح رفتن دیو سلطان به جانب گرجستان و خواجه مظفر به جانب مازندران ۴۸۱
- شرح آمدن شیخ شاه ولد سلطان فرخ‌یسار به درگاه پادشاه گردون و قار ۴۸۳
- شرح آمدن عبدالله خان اوزبک به محاصرهٔ هرات و بی نیل مقصود بازگشتن ۴۸۴
- شرح جنگ کردن مستحفظان قلعهٔ هرات با عساکر عبدالله خان و مراجعت آن بی ایمان به جانب ترکستان ۴۸۸
- شرح شهادت یافتن امیر غیاث الدین محمد صدر به تیغ کین امیرخان ترکمان ۴۸۹
- شرح رفتن امیرخان به قندهار و رسیدن دورمیش خان به اردوی آن نابکارو روانه نمودن او به درگاه فلک مدار و تفویض ولایت خراسان سام میرزا به عون کردگار ۴۹۲
- وقایع سنهٔ ثمان و عشرين و تسعمائه شرح رسیدن شاهزادهٔ عالی مقدار طهماسب میرزا به درگاه سلاطین پناه و فوت امیرخان به تقدیر آله ۴۹۵
- شرح رفتن شاهزادهٔ کامکار به جانب هرات به عنایت کردگار ۴۹۷
- شرح قشلاق نمودن خسرو آفاق در دارالسطنهٔ تبریز و آمدن صوفیان ذوالقدر بدان خطّهٔ عشرت انگیز ۴۹۷
- وقایع سنهٔ تسع و عشرين و تسعمائه: شرح شهادت یافتن وکیل السطنه میرزا شاه حسین اصفهانی ۵۰۰
- شرح قصاص نمودن مهتر شاه قلی و تفویض منصب وزارت به خواجه جلال الدین محمد تبریزی ۵۰۲
- وقایع سال پرملال سیچقان نیل مطابق سنهٔ ثلاثین و تسعمائه ۵۰۳

شرح نهضت موکب همایون از اردبیل و رسیدن خبر کشته شدن حسن بیگ حاکم  
شکی ۵۰۵

شرح انتقال حضرت خاقان صاحبقران به جنت اعلی و اتصال روح مطهر آن سرور به  
روحانیان عالم بالا ۵۰۵

گفتار در ختم کتاب و دعای دوام دولت شاه دین پناه شاه طهماسب میرزا الحمد لله و  
المنة ۵۱۱

تعلیقات ۵۱۳

فهرست منابع و مآخذ ۵۵۳

تصاویر ۵۵۹

فهرست اعلام ۵۵۹

## یادداشت مصححان و راهنمای نسخه

### اهمیت نسخه حاضر

درباره اهمیت نسخه حاضر که توسط نشر تاریخ ایران منتشر شده، لازم است نکاتی را به خواننده یادآوری کنیم.

ویژگی این نسخه نسبت به کتاب منتشره جناب آقای دکتر محمدعلی پیرغو توسط دانشگاه تبریز در این مهم می باشد که نسخه حاضر با نسخه کمبریج (بدل) مقابله شده است. همچنین جهت سهولت خواننده، تصحیح اغلاط متن و آرایش لفظی نیز صورت گرفته و از مشخصه های دیگر این متن، استفاده از منابع دسته اول و کرونولوژی تاریخی، انتقال حواشی نسخه به پاورقی های متن، ضبط نام دیگر مکان ها و اشخاص، و نیز شناسایی عبارات دعایی و ذکر برخی معانی لغات متکلف می باشد. همچنین ماده تاریخ ها و صورت صحیح آنها، به همراه ذکر وقایع آورده شده است. کتاب حاضر با بخش تعلیقات که شامل وقایع، اشخاص، آیات، احادیث و ضرب المثل های فارسی و عربی، مشاغل و مناصب، ذکر اسامی و مشخصات کتاب های نامبرده شده در متن اصلی، فهرست منابع و مآخذ و فهرست اعلام به پایان می رسد.

### راهنمای نسخه جهانگشای خاقان

در تصحیح کتاب حاضر و مقابله آن با نسخه بدل (کمبریج)، مصحح علاوه بر تصحیح به آرایش لفظی نیز پرداخته تا ادراک و مفهوم بعضی از عبارات با نشر و نوشتار امروزی مطابق گردد تا خواندن برای خواننده آسان شود. استفاده از منابع دست اول و کرونولوژی تاریخی یکی دیگر از ویژگی های حائز اهمیت است که در این نسخه به کار رفته است. علاوه بر آن برای تسهیل خواننده تمامی حواشی نسخه مذکور در پاورقی نیز آورده شده است. لازم به ذکر است که نقاشی های مندرج در

نسخه موجود متأسفانه کیفیت نامطلوبی داشته که به همین دلیل در انتهای کتاب آورده شده است.

الف. برخی از آیات، احادیث، ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی، اشعار و لغاتی که در متن نسخه کنونی غلط املائی داشته، در خود متن به صورت صحیح آورده شده است، برای مثال:

| لغت در نمونه متن اصلی | در نمونه تصحیح شده |
|-----------------------|--------------------|
| عصن                   | غصن                |
| کازروان               | کازرون             |
| تقسیل                 | تغسیل              |
| کخور                  | کجور               |
| عرابه                 | ارابه              |
| متهیز                 | متهز               |
| کیبور                 | کیبر               |
| بحر ذخار              | بحر زخار           |
| کشکر                  | گسکر               |
| حوت                   | هوه                |
| غلقله                 | غلغله              |
| سیبها                 | سیبه‌ها            |
| عصانه                 | اسانه              |
| آغوروق                | آغروق              |
| ساروقپلان             | ساروقاپلان         |
| باداليج               | بادلیج             |

ب. اسامی برخی از مکان‌ها و اشخاص در نسخه اصلی که ضبط دیگری داشته است، برای مثال:

|           |           |
|-----------|-----------|
| جلبان‌بیگ | جلبان‌بیگ |
|-----------|-----------|

|                                        |                  |
|----------------------------------------|------------------|
| استانبول                               | استنبول          |
| الرزنة الروم                           | ارزن الروم       |
| نخجوان                                 | نخچوان           |
| غوری                                   | قوری             |
| بیقرد                                  | بیگرد            |
| تومنی بیگ                              | تومانی بیگ       |
| طرابلس                                 | طراپلوس          |
| طرابوزان                               | دارابوزون        |
| حبله رود                               | حبلیه رود        |
| بتلیس                                  | بطلیس            |
| خوارزم                                 | خارزم            |
| قندوز                                  | قندز             |
| بغلان                                  | بقلان            |
| هویزه                                  | حویزه            |
| دارابگرد                               | دارابگرد         |
| هلقوتویوزبیک،<br>توقوزبیک              | وهاقوتویوزبیک    |
| اورکمس بیگ،<br>اورکماس بیگ             | اورکمزیبگ        |
| تینک کیلیدی اوزبک،<br>بیگ گیلیدی اوزبک | پلنگ کلیدی اوزبک |
| جاگیر بیگ                              | چاکر بیگ         |
| مغول خانم                              | مغل خانم         |
| چراکسه                                 | چراک             |
| پیچی نیل                               | پیچین نیل        |

پ. عبارات دعایی که مابین دو خط تیره آورده شده است، برای مثال: - اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ الْاَئِمَّةِ الطَّاهِرِيْنَ الَّذِيْنَ يَنْتَهِيْ اِلَيْهِمْ سِلْسِلَةُ الْعِصْمَةِ و سَلِّمْ عَلَيْهِم اِلٰى

## قیام القیمة -

- ت. برخی از ماده تاریخ‌های موجود در متن نسخه به دلیل عدم تطبیق با تاریخ وقایع مورد نظر، صورت صحیح آن در پاورقی آورده شده است، برای مثال:
۱. جمله در متن: امیرالمومنین حیدر علی بن ابی طالب، ماده تاریخ آن ۹۱۷ ق. است که با شرح واقعه متن هم خوانی ندارد.
  - جمله نقد صحیحی: امیرالمومنین حیدر علی بن اباطالب، ماده تاریخ آن ۹۰۸ ق. که واقعه فتح همدان توسط شاه اسمعیل صفوی است.
  ۲. کاتب برای تاریخ جلوس سلطان سلیمان عثمانی بیتی از امینی آورده که بیانگر تاریخ جلوس اوست و در زیر هر مصرع اعدادی را به عنوان ماده تاریخ درج نموده است. برای مصرع اول ۹۶۰ ق. و برای مصرع دوم ۹۶۶ ق. نوشته است که صحیح نمی‌باشد که صورت صحیح آن را آورده شده است.

|            |                             |                             |
|------------|-----------------------------|-----------------------------|
| نمونه متن  | بداده زمان مملکت<br>کامرانی | بکائوس عهد و سلیمان<br>ثانی |
| نمونه متن  | ۹۶۰                         | ۹۶۶                         |
| نمونه صحیح | بداده زمان مملکت<br>کامرانی | بکائوس عهد و سلیمان<br>ثانی |
| نمونه صحیح | ۹۶۶                         | ۹۲۶                         |

## ث. نشانه‌های اختصاری

۱. ل (لندن): نسخه خطی کتابخانه موزه بریتانیا (نسخه اصلی).
۲. ک (کمبریج): نسخه خطی کتابخانه دانشگاه کمبریج (نسخه بدل).
۳. برای روان شدن بعضی جملات مصحح اضافاتی نموده که این اضافات در درون [ ] قرار گرفته است.
۴. در بعضی موارد کلمه یا عبارتی که در متن اصلی (ل) ناخوانا بوده است و در متن بدل (ک) نیز موجود نبوده است به صورت... آورده شده است.
۵. در بعضی موارد کلمه یا عبارتی که در متن اصلی (ل) ناخوانا بوده، اما در متن بدل (ک) موجود بوده است، به صورت [ ] با رفرنس، آورده شده است.

۶. در بعضی موارد کلمه یا عبارتی که در متن بدل (ک) موجود نیست، اما در نسخه (ل) موجود است به صورت ک: "... ندارد، آورده شده است.

## تعلیقات

### الف. وقایع

وقایع مهم تاریخی مطرح شده در نسخه اصلی با منابع دسته اول دیگر مقایسه و بررسی شده و در این بخش ذکر شده است.

### ب. اشخاص

بررسی منابع دسته اول دیگر مربوط به شخصیت مهم تاریخی ذکر شده در نسخه اصلی.

پ. آیات، احادیث و ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی  
ذکر آیات و احادیث و ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی

نکته: اعدادی که داخل متن نسخه اصلی آمده است مربوط به بخش تعلیقات می‌باشد.

### ت. مشاغل و مناصب

توضیحی بر مشاغل و مناصب ذکر شده در متن نسخه اصلی کتاب.

### ث. اسامی و مشخصات کتاب‌ها

ذکر اسامی و مشخصات کتاب‌های نامبرده شده در متن نسخه اصلی.

### ج. فهرست منابع و مآخذ



بسم الله الرحمن الرحيم

جهان آری ای پادشاهان عالم داره و فرمان وایی چنه و کنی وون آفت از انالک  
 ملک الملکست که سپه نوازی پهلایین صاحب شوکت با فیر کشود پستانی و بطوس  
 نصفت صفت سپهر جهانانی از تاید اویت ، خدا جان ، شایر است  
 زنا حضرت آید ندانی راست ، وصلت صلوات باعث ظهور موجودات موصو  
 از برع ممکنات نیسی سپه الگوین و شیخ الفیلین و النهم صل علیه و سلمه الائمة الطاهرین  
 آخرین نبی الهم سپه العظم و سپه عظیم الی قیام القیمة اما بعد ما شران احوال سپه  
 نمدار و راقان اما زخا میر فی وی لاقدره صفات اورای که از ارقام شرح  
 ان باب چهره وان کلیات سیر اوده اند غرض ایشان ازین نیست آن بود که با  
 که چنانکه از روی است تن فرق بمیون پهلایین فای افره سرمان یایی می سید  
 بسبب رشت سپهر سیر آری آن سپه نشینان ولت امی سرده و بر عالمیان  
 که حضرت وصالی سبک کلامه و جود و جالبیت و جهان اری از جهان جی چسپن اوی پام





## دیباچه

پژوهشگر سخت‌کوش آقای دکتر نعمت احمدی بشارت آن را دادند که اخیراً به اتفاق خانم دکتر نیلوفر جفرودی به تصحیح کتاب ارزشمند جهانگشای خاقان از مورخی ناشناس در عصر صفوی و بطور خاص شاه اسمعیل اول (۹۳۰-۹۰۷ق) نائل آمده‌اند مسرت من بنده هم از این حیث مضاعف است که نسخه مذکور در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان (Institute of Persian Studies Iran - Paksstan) واقع در اسلام‌آباد یافت و چاپ شده است که من بنده قریب به سه سال و اندی را به عنوان خادم فرهنگ و تاریخ و هنر و ادب مشترک میان ایران و شبه قاره و بالخصوص پاکستان در دیار خوبان گذرانیده‌ام و از نزدیک شاهد گردآوری و معرفی آثار ذیقیمت و گرانبهای نظیر کتاب یاد شده بوده‌ام.

حقیقت این است که شبه قاره در خلال هزاره‌های طولانی پیش و پس از اسلام کانون حمایت از دستاوردهای مشترک دو ملت باستانی ایران و هند بوده است و موارث و صف‌ناپذیری از گنجینه مدنی هر دو مجموعه انسانی خویشاوند و بهم پیوسته را در خود حفظ کرده است. اینکه اصحاب فطنت و درایت از دیرباز به فکر جمع‌آوری و صیانت مخطوطات و آثار بی‌شمار و بی‌همانند علمی و تاریخی و ادبی موجود و قابل دسترس در آن اقلیم متبرک کرده‌اند. درخور همه‌گونه تقدیر است و دیگر اینکه این ضعیف خود در خلال سالیان سعادت‌مند خدمتگزاری در همان خطه شریف، این فیض را ذی‌خود ذخیره کرده‌ام که فهرست دست کم سی و پنج کتابی را که چاپ کرده‌ام، در جای دیگری بدانها اشارت ورزم. و اما کتاب مورد اشاره مقدمه ممتّع و فاضلانه‌ای را جذب کرده است که دانشمند

متواضع و بی‌ریا جناب اکبر ثبوت بر چاپ نخست آن مرقوم داشته‌اند احاطه وسیع تاریخی استاد ثبوت چنان است که به تعبیر یکی از ستایشگران امر در مجله نشر دانش، همه اطلاعات مفیدی را که در باره منشآت ارزنده عصر صفوی متصور است و محوّل مشمول می‌شود و ارج و اعتبار خدمت علمی سترگی را که تحقق یافته است، بر ملا می‌کند. بنده این خدمات علمی را در زمره سخاوتهای علمی بی‌مزد و متنی می‌شمارم که از فرزاندانی نظیر استاد ثبوت برمی‌آید و ارج و قرب صنادید ملک و به تعبیر خودم اوتادالعجم را در خطوط طولانی و بی‌اول و آخر اهتمام به بقای فرهنگ ایرانی گرامی می‌دارد. اجورهم عندالله!

و اما مذاقه در متن حاضر و کتب هم پایه دیگری که از روزگار «سلطان کامکار شاه اسمعیل صفوی» برمی‌آید. اینجانب را بر آن می‌دارد که باور داشته باشم شهرت عالمگیر و مسحورکننده «خاقان عالی‌شان» مشتاقان ستایش پهلوانی و به تعبیر امروز، کاریزمای بی‌مانند این مرشدزاده اردبیلی در حدی بوده است که از مورخ نامدار امیرمحمودبن خواندمیر صاحب حبیب‌السیر تا مؤلف کتاب حاضر احیاناً محمدعلی بن نورا، یا بیجن، بیژن، همه اصرار داشته‌اند در تجلیل و ستایش وی از دیگران کم نمانند. شخصیت برساخته ممتازی که از یک سو محصول دفاعهای دماغ‌های عامی دلاوران جنگجوی قزلباش بوده است و از دیگر سو عصاره آرزومندانه فضائلی که عنصر ستمدیده ایرانی و خاصه نخبگان هویت طلب آن از مردی فرادست و به تعبیر شاهنامه «رستم روزگار خود» در ذهن می‌پروریده‌اند.

بی‌سبب نیست که همین‌جا اضافه کنیم که نابغه هوشمند اردبیلی که به اصل کیان گردی خود هم آگاهی کافی داشته، در تحت تأثیر همین روحیه قهرمانی و هویت طلبی تاریخی ملی اسامی چهار پسر خود تهماسب، بهرام، ارجاسب (که در تداول به القاص مشهور شده) و سام را از شاهنامه برگزیده و حتی دخت خویش را نیز پریخان خانم نامیده است.

در اینکه نام واقعی مؤلف چیست حدسیاتی مطرح است که در متن کتاب نیز بدانها اشاراتی رفته است و دست‌کم این معنی را می‌توان دریافت که نام پدربزرگ او «نواب آقای محمدرضاییگ» است که بنا بر مضامین مصدق نسخه موجود: «غالباً در خدمت شاه اسمعیل» بوده است و به همین ملاحظه هم خود و هم اجداد شناسایش در زمره شیعیان غالی شناخته می‌شوند.

از آنجا که شخصیت مرد جنگی و بی‌باک و متهوری که در آغاز عصر روشنگری مبدع و مبدأ دولت ملی در ایران شده و به تعبیر پژوهشگران ایرانی و خارجی حکومتی فراگیر در محدوده فلات شناسای ایران بوجود آورده است، امری نیست که از چشم معاصران او پنهان مانده باشد و به صورتی واضح تا امروز نیز تداوم منطقی و معقول و چشمگیر خود را محفوظ داشته است. طبیعی نیز می‌نماید که از دیدگاه‌های مختلف بدو بنگرند و در مدح و قدح او کتاب‌ها بنویسند و اما آنچه که می‌توان در حاشیه تنگ کلام و خاصه در تقریظی صادقانه اضافه کرد این است که به سیاق دیگر کتب قهرمانی بمانند *عالم‌آرای عباسی* یا *جهانگشای نادری* و نظایر آنها که نگارش آنها تا آغاز عصر مشروطه تداوم داشته است و تعداد کسانی که به طوع و کره خواسته‌اند از قافله اهل قلم عقب نمانند، به تنسیخ کتب عمده و مشهور پرداخته‌اند و با نظر به دامنه گسترده زبان و ادب فارسی تا سرزمین‌های دور شبه قاره و آسیای صغیر و نیز منطقه آسیای مرکزی که خود بخشی از قلمرو حیات سیاسی و فرهنگی ایران محسوب می‌شده، کم نبوده است.

این بنده هنوز باور دارد که با قبول نظر آقای دکتر الله دتا مضطر مقدمه‌نویس متن چاپ شده در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان مبنی بر مشابهات فراوان کتاب *عالم‌آرای صفوی* مصحح استاد دانشمند دکتر یدالله شکری (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰) کتاب *ارزنده عالم‌آرای شاه اسماعیل* با مقدمه و تصحیح و تعلیقات آقای اصغر منتظرصاحب (انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۴) نیز از متن حاضر نشأت گرفته و به سیاق آنچه که در روزگار ما، انتحال علمی نام یافته بطور عمده مأخوذ از متن اصلی همین کتاب حاضر است.

اینک مهم این است که بدانیم سرسلسله نام‌آوری نظیر شاه اسماعیل که در تاریخ وطنش طولانی‌ترین دودمان پادشاهی بعد از اسلام را بنیاد نهاده و مفاهیم متبرکی مانند هویت ایرانی، حکومت ایرانی، مذهب و آیین مورد قبول اکثریت مردم ایران و خلاصه اینکه دولتی ملی، تأسیس کرده است که بعد از انقراض سلسله خود او، هم تا امروز قریب پانصد سال را نیرو و انسجام و شکل و قالب داده است. از نوادر اتفاقات و عین بزرگی است. با اذعان به اینکه اهل تاریخ ملزمند که تاریخ وطن را به هر دو صورت MICRO, MICRG مرقوم دارند.

به دلالتی که مختصراً و ذیلاً به آنها اشاره خواهم کرد باور دارم که با توجه

به تمامی آنچه که در خلال پنج قرن اخیر در دل سیاست‌های جهانی و ایران اتفاق افتاده، هنوز می‌توان دولت مرشدزادگان اردبیلی را حکومتی برخاسته از مردم، برای مردم و به وسیله مردم THE GOVERMENT OF THE PEOPLE, BY THE PEOPLE نامید.

هرچند که تعبیر و تفاسیر افادات خاص خود را در خلال سالهای پرجنب و جوش پنج سده اخیر داشته باشد و هر روز هم ابعاد مردمی تازه‌ای یابد. آنچه که در باره شیخ صفی گفته‌اند اینهاست: که نجیب‌زاده اردبیلی در حوالی سال (۶۵۰ق.) به دنیا آمده و پس از مشاهده التهابات وحشتناکی که با حمله مغولان در (۶۱۶ق.) در ایران و منطقه حاصل شده بود، در صدد آن برآمد که ملاذ و ملجاء روانی و اعتقادی مطمئن و محکمی بیابد تا از مشاهده بلایا و محن عصر خلاصی پیدا کند. در جستجوی همین معنی بود که در حوالی سال (۶۷۵ق.) شیخ زاهد گیلانی را یافت بیست و پنج سال حضور در محضر آن بزرگ که فرزانه نامداری در عصر خود بود و نشان دادن ارادت صادق، موجب شد که به مصاهرت او توفیق یابد و در همان احوال دختری را که از همسر پیشین داشت به حباله نکاح فرزند شیخ درآورد. این پیوستگی دوگانه بعدها نیز مایه قوت خاندانهای طرفین شد و به نحوی از انحاء تا پایان کار صفویان ادامه یافت (رک به: سلسله‌النسب صفویه تألیف شیخ حسین پسر ابدال پیرزاده زاهد گیلانی) اتفاق مهمی که در این روزگار روی داد این بود که پس از درگذشت شیخ صفی‌الدین در (۷۳۵ق.) جانشینی او به فرزندش شیخ صدرالدین موسی رسید که در عالم طریقت نیز خود اتفاق نادری بود و این شیخ که مدیدی زیست، پایه‌های قدرت معنوی و فرهنگی و اقتصادی سلاله خود را تقویت کرد و به نحوی بین قدرت چشمگیر و متمایز و معقولی را ازانه داد که تا عصر خودنمایی جهانگشای تاتار تیمور ادامه یافت (۷۹۲ق.) کارهای مبادله‌ای مادی و معنوی با خاقان جدید بر عهده فرزند خلف او خواجه علی سپرده شد که بنا به نقل تواریخ عصر از جمله عالم‌آرای عباسی اسکندربیک منشی و احسن‌التواریخ روملو با مهارت‌ها و ظرافت‌های کم مانند تا سال (۸۳۲ق.) ادامه یافت.

تشکیل نیروی نظامی چشمگیر را هم به او نسبت داده‌اند که با ذکاوتی وصف نشدنی سرگشتگان ترکمن خلاصی یافته از جنگ جهانگشای قهار تاتار را در ذیل عطف‌ت مرشدانه نگاه داشت و در سر و علن هسته مرکزی قدرت بالنسبه محسوسی

را پایه گذاشت. همین نیروهای به ظاهر پراکنده و معدود بودند که هسته مرکزی قدرت شتابگیری را بوجود آوردند که خلیفه خانقاهی وقت شیخ ابراهیم را به وسوسه تشکیل قدرتی این جهانی متمایل ساخت و ابعاد تازه تری به جهان بینی اهل طریقت بخشید.

شیخ ابراهیم در حقیقت وقتی که زمام سجاده نشینی را در دستهای خود دید جای شبهه ای برای مریدان پراکنده باقی نگذاشت که تمایلی آشکار به کسب قدرت این جهانی دارد و در عرصه ای که متنازعان گوناگون و متعدد از صحاری آسیای مرکزی تا دشتهای آناتولی و شام و عراق دارند می خواهد که پیروزمندانه بخت خود را بیازماید. شاید به همین سبب هاست که تاریخ نویسان بعدی عصر صفوی از او بنام سلطان و شاه نام برده اند و بر تلاش های بی وقفه و بی ثمر ۳۰ ساله اش (۸۶۲-۸۳۲ق.) عنوانی متمایز از منصب اجدادی طریقتی به او داده اند.

میراث ذکاوت و فطنت این جهانی اعقاب شیخ صفی الدین، کار را بر دو نسل متوالی و متعاقب سلسله، شیخ جنید و شیخ حیدر، تا به آن حد آسان کرد که بی هیچ پرده پوشی برای رقابت با خالوزادگان خود به میدان آمدند و با تشکل بخشی به همان نیروهای پراکنده ترکمن، اعلام کردند که "بعد درویشی اگر هیچ نباشد شاهی" تا این جای تاریخ، بنده بر آن سرم که در دوره های بعد از اسلام ایران سلسله نجیب و باوقار صفوی را باید زیرک ترین و سیاسی ترین و کاردان ترین خاندان حاکمیتی ایران شمرد که برای رسیدن به تاج و تخت، بیش و پیش از هر چیز به تلاش های فرهنگی دست آزدند و در طی دو سده تلاشهای آگاهانه و صادقانه مقدمات نیل به حکومتی فراگیر را فراهم ساختند. هم برای مردم خسته ایران که بعد از بیداد مغول و حکومت ۱۲۰ ساله آنان (۷۳۶-۶۱۶ق) و نیز ایلغارهای تیموری که کمی بعد از آن وقایع سخت روی داد، آرزو و انتظار حکومتی مردمی و دلسوز را در سر می پروردند. تا آن حد که دولتی با ملاحظه سوابق مدنی و فرهنگی شیخزادگان را با آغوش باز پذیرفتند و حتی خیال پوشش امن و دلسوزانه ای برای اطفال صغیر آنان ایجاد کردند که کودک ۷ ساله ای در آغوش حامیان مراقب خویش مجال زندگی پیدا کرد و به بلندترین مقام متصور قدرت نایل شد. یادمان نمی رود که اسمعیل جوان برای نیل به قدرت حدود ۱۳ مدعی قدرتمند دوروبر خود داشت و جز با اخلاص جانبازانه مجموعه مردمی که همه جا از مقدم او و نوآوری هایش استقبال می کردند، نمی توانست زنده بماند.



اینکه کتابی که به همت محققین دلسوز و علاقمند به تاریخ و متون کهن جناب دکتر نعمت احمدی و خانم دکتر نیلوفر جفرودی به زیور طبع آراسته شده است در حقیقت جای خالی خود را بعد از تلاش‌های ارزنده مؤلف یا مؤلفان اصلی پیدا کرده است و درخور آن است که با نگاه تازه‌ای به تاریخ بسیار مهم آن ایام، مورد مذاقه جدی تری قرار گیرد. به گمان من بنده این دینی است که جامعه فرهیخته ایران به مرشدزادگان اردبیلی دارند و باید در کنار همه تألیفات سودمندی که محققان متعدد خارجی انجام داده و سلسله صفوی را دولتی ملی برشمرده‌اند، حقوق تاریخی سلاطین کامکار سلسله را ادا کنند و از دلسوزی و علاقه‌مندی یکایک آنان خاصه بنیادگذار نام‌آور آن، شاه اسمعیل تجلیل نمایند. البته مراد بنده این نیست که ما باید قلم پاک خطاپوشی در سیاق تاریخ‌نویسی خود داشته باشیم و از سیئات اعمال کسانی که مرتکب خلافهای آشکاری نیز بوده‌اند صرف‌نظر کنیم.

باور دارم که استاد دکتر نعمت احمدی که وجهی خالص در نگاه به متون تاریخی دارند و در سوابق ایام شباب نیز کتاب ذی‌قیمت *دُرُراتِ بیجان فی تاریخ بنی‌الاشکان* ترجمه روان‌شاد اعتمادالسلطنه را به‌زیور طبع آراسته‌اند به همراه خانم دکتر نیلوفر جفرودی اهتمام شایسته در ملاحظه مجدد به متن حاضر و تصحیحات و تعلیقات لازم انجام داده‌اند اعتنائی دقیق به همه ابواب کتاب ذی‌اعتبار حاضر مدلل می‌دارد که سلطان مؤسس سلسله جلیله صفویه به رغم نواندیشانی که اقدامات وسیع و متعدد او را برای تکوین هویت ملی و تثبیت مرزهای تاریخی در ساحت جغرافیای سیاسی ایران کافی نمی‌شمارند مرد راسخ اراده‌ای بود که در آستانه تحولات عظیم حیات انسان‌ها خاصه غربی که رو به بیداری داشت، توانست ایرانی قوی را بنیاد نهاد که بر مبنای دکتربین جدید دولت - ملت که خود غرب یکصد و پنجاه سال بعد یعنی به سال ۱۶۴۸ م و در عهدنامه وستفالی بدان مدعن شد توانست تعریف تازه‌ای از انسجام عناصر متبرک - هویت ملی - وحدت ملی - منافع ملی - مصالح ملی - مرزهای ملی - مبنای اعتقادی - مذهبی ملی (شیعه اثنی‌عشری) ارائه دهد که طی ۲۴۰ سال (۱۱۴۸-۹۰۷ق.) همواره مبنای زندگی هموطنان او به حساب آمد و در کشاکش آن همه حوادثی که با روی کار آمدن عثمانی‌ها و تثبیت قدرت سیاسی - نظامی ترکان در منطقه، به‌شایستگی از اعتبار تاریخی ملت کهن پاسداری کرد. فراموش نمی‌توان کرد که دو واقعه مهم جهانی در فاصله‌ای نزدیک به تثبیت

جایگاه صفویان در ایران حادث شد نخست فتح قسطنطنیه در (۸۵۷ ق. / ۱۴۵۳ م.) بود و دوم کشف قاره جدید آمریکا در (۸۹۸ ق. / ۱۴۹۲ م.) که غربیان را به صرافت جهانگیری انداخت و همسایه غربی ایران، عثمانی را هم از (۹۱۸ ق.) تقریباً همزمان با گسترش قدرت دریائی پرتغال و کشف دماغه امیدنیک (۱۵۱۷ م.) به صورت قدرتی روبه رشد به صحنه منازعات جهانی کشانید. این همان مرشدزاده پر شور و قدرتمند و امیدوار دودمان شیخ صفی الدین اردبیلی است که با استمداد از توان ممتانه ایرانیان آگاه توانست تصویر تازه‌ای از ایران هوشمند و بصیر و توانمند ارائه دهد که بتواند با اعتماد به منزلت تاریخی هموطنان با خرد و هنرور جایگاه مناسب کشور را در عرصه مجادله‌های مداومی که تا امروز نیز ادامه یافته است پیدا و حفظ کند. ایران عزیز بی‌هیچگونه تردید درخشانترین دوران حیات بعد از اسلام خود را در همین عصر بدست آورد. ماندگارترین آثار هنری ایران در خلال عمر با عز و ناز همین سلسله پدید آمدند. زبان و ادب شیرین و جهانگیر فارسی تلو درخشان خود را در طی همین روزگار درخشان بدست آورد و عناصر هوشمند و سیاس و دانای وطن با برخورداری از همان شور و شوقی که شاه اسمعیل بنیاد نهاد به عرض وجود پرداختند و تصاویر روشنی از دانائی، بصیرت، دنیاداری، اخلاق مردمی و صفات عالیه و تاریخی شده ملی را به عرصه نمایش گذاشتند. تأکید می‌کنم که بی‌شبهه مردان بزرگ چه در عرصه ملی و چه در مقیاس جهانی و بین‌المللی دوستان و دشمنان خود را دارند ولی به گواهی تاریخ شاه اسمعیل صفوی و سلسله‌ای که بنیاد گذاشت ماندگارترین و روشنترین تصاویر ایرانیت را به جهانیان نشان دادند کاری که استاد دکتر نعمت احمدی به شایستگی و کیاست از عهده آن برآمدند و بزرگان ما نیز فرض ضمنی خویش برای چاپ منقح متن حاضر را فریضه همت شمرده‌اند درخور تحسین بلیغ است و مطمئناً خوانندگان هوشیار کتاب بهره کافی از آن خواهند برد.

تاریخ پنج سده اخیر ایران ثابت کرده است که تا چه حد این مرشدزاده جوان اردبیلی روح مردم زمانه و دوران‌های بعدتر را به درستی درک کرده بود که اعلام می‌داشت: «مرا بدین کار واداشته‌اند بروید و به همین گونه عمل کنید» و تاریخ ثابت کرد که درک درستی از روح و روحیه ملی خود داشت.

دکتر رضا شعبانی

استاد دانشگاه شهید بهشتی